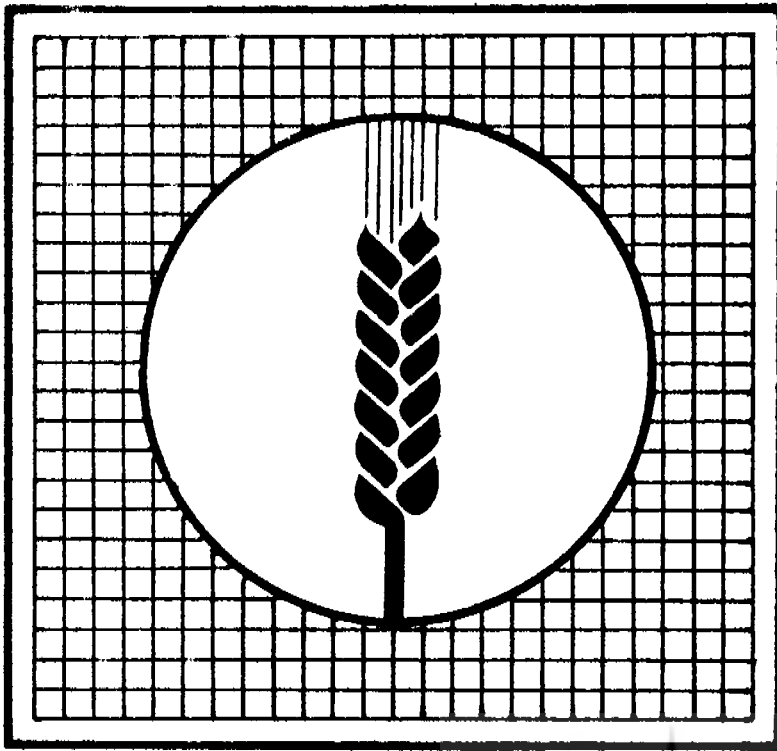


کشاورزی در عصر تغییر تکنولوژی

ترجمه از: علیرضا کاشانی



اشاره

مقاله پوست ترجمه یکی دیگر از سخنرانی‌هاست که در «کنفرانس بهره‌وری آسیا» - آبان ۱۳۶۵، کوالالامپور - در زمینه کشاورزی ایراد شد و بصورت مکتوب نیز بین شرکت کنندگان توزیع گردید. سخنران که رئیس مؤسسه بین‌المللی نوسازی روستائی فیلیپین است با اشاره به برخی از پیشرفتهای جدید در زمینه بیوتکنولوژی که در سطح آزمایشگاهی بدست آمده به این امر اشاره دارد که با توجه به واقعیات موجود بویژه در رابطه با کشاورزان خرده‌پا امکان جانشین کردن این پیشرفتهای جدید - بجز در برخی از موارد استثنائی - بجای روشهای طبیعی وجود ندارد.

وی سپس با توجه به مشکلات مشترک روستائیان جهان سوم، کشاورزی را بعنوان نیروی محرکه و تقویت کننده توسعه روستائی دانست. در همین رابطه اشاره به ۶ جنبش ملی نوسازی روستائی در کشور نمود و روشهایی که هر کدام برای نیل به یک فرآیند توسعه خود اتکاء اتخاذ نمودند را اجمالاً مورد نظر قرار داد. وی معتقد است که دستاوردهای تجربی این جنبشهای ملی می‌تواند نقش مکملی برای تکنولوژی پیشرفته و انتقال آن به بخش کشاورزی در مناطق روستائی ایفا کند.

نویسنده همچنین در یک جلسه پرسش و پاسخ اشاره به این نکته داشت که مشکل کشاورزان کشورهای جهان سوم کمبود تحقیقات فنی نیست بلکه

مشکل اینست که چگونه تحقیقات علمی و فنی انجام شده موجود در مراکز تحقیقاتی این کشورها را به مناطق روستائی و بدست کشاورزان منتقل نمایم. بهرحال مطالعه این مقاله در مجموع میتواند مفید باشد. به امید آن که ما خود بتوانیم کشاورزان و روستائیان کشور خویش را مجهز به دانش و ابزار مناسب در جهت نیل به اهداف مقدس انقلاب اسلامیان بنمایم. انشاء...

برخی از روشهای رایج کشاورزی

در مکتب تفکر کهن درباره کشاورزی نوین اعتقاد بر این است که: «آنگاه که دوبرگ، بجای یک برگ، برود» در این صورت تکنولوژی کشاورزی تقریباً اثر خود را نشان داده است. اما این معنا، با تکنولوژی کنونی و آینده کشاورزی که چندی است برای بشر شناخته شده، فاصله زیادی دارد. مثلاً بیوتکنولوژی راه درازی را طی کرده و نوید عصر جدیدی را میدهد که در آن تنوع ژنتیکی موجودات باعث تولید کالاها و خدمات بیشماری خواهد شد. مدتی است که متخصصین اصلاح نژاد گیاهان مشغول کار روی ژنها و یا کنار گذاشتن جنسیت هستند، تا انتقال صفات به طریق ارثی را سریعتر و دقیقتر از آنچه که از طریق اصلاح نژاد یا تکثیر طبیعی امکان دارد، دگرگون سازند.

گیاهان معدودی که روبه انقراض بودند اکنون امکان بقا می‌یابند، یا ارقام پرمحصول گیاهانی که برای سیرکردن میلیونها آدم پراولاد لازمست بسرعت تکثیر شوند را میتوان از طریق روشهای بیوتکنولوژی تکثیر نمود؛ این روشها عبارتند از: کشت سلول، ترکیب نمودن پروتوپلاست، تکثیر غیرجنسی، آمیختن ژنها یا «دی. ان. ای» قابل ترکیب، انتقال ژن از گیاهان خانواده بقولات مثل سویا یا باکتریهای تشبیه کننده ازت به گیاهان غیر بقولات مثل ذرت و گندم.

در محصولات دامی، استفاده از میکربها و کار مستقیم روی موجودات زنده عالی تراکتون جنبه کاربردی پیدا کرده، مثل انتقال جنین به یک با اصطلاح مادر، که بدین ترتیب یک گاو را قادر می‌سازد که سالانه ۴۰ رأس یا بیشتر گوساله را بدون زایمان واقعی تولید نماید.

شرح و تفصیل این روزنه‌های امید تکنولوژیک خارج از حیطه بحث این مقاله و این کنفرانس میباشد و این موارد بدان جهت اظهار شدند تا هدف تغییرات درخشان تکنولوژی در کشاورزی بیان گردد، و در عین حال کاربرد گسترده آنها در رابطه با هزینه‌های مسائلی که خواه ناخواه بهمراه خواهد داشت و بالاخره تأثیر

• «برنامه کشاورزان نخبه» با هدف آموزش دقیق و حسابشده کشاورزان و روستائیان برگزیده، پاسخی به دعوی انتقال مهارت‌ها و تکنولوژی موجود در زمینه عمران روستایی به درون دستهای خود روستاها بوده است. این «نظام» که تلاش‌های دستگاههای دولتی، بخش خصوصی و مردم روستاها را یک کاسه می‌کرد، روستائیان را قادر می‌ساخت که در جامعه خویش به صورت عاملین تغییر در جهت توسعه روستایی درآیند.

• در سال ۱۹۷۲، جنبش بین‌المللی نوسازی روستاها برنامه‌ای را تحت عنوان «برنامه کشاورزان نخبه» ارائه کرد، که نسبت به «نظام مکتب مردمی» گامی فراتر محسوب می‌شد. این نظام از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۷۶ تاکنون مشغول آموزش دقیق و حسابشده کشاورزان و روستائیان برگزیده، در دوره‌های غیررسمی فشرده حدوداً یک‌هفته‌ای بود.

این گونه تکنولوژی بر کشاورزی در حال و آینده ارزیابی شود.

مسائل

علیرغم فوائد کشت بافت، بر طبق گزارشها هنوز امکان آن وجود ندارد که مثلاً بعضی از مهمترین محصولات کشاورزی از نظر اقتصادی - از قبیل سویا، ذرت و گندم در آزمایشگاه تکثیر شوند. بعلاوه گزینش صفات مطلوب زراعی آنها در سطح یک بافت منفرد زمانی می‌تواند انجام شود که گیاه بطور واقعی در مزرعه کشت شده باشد نه در یک بشقاب ترو تمیز. مطمئناً، کشت بافت هنوز خیلی گران تمام می‌شود و بسیار متکی بر تکنولوژی پیچیده می‌باشد. و این واقعیت برای سایر روشهای بیوتکنولوژی از قبیل ترکیب کردن پروتوپلاست، تکثیر غیرجنسی، آمیختن ژنها و انتقال جین نیز صدق میکند.

آنچه که از کل مطالب فوق استفاده می‌شود آن است که هیچ یک از این روشهای فنی نوین در حال حاضر برای کشاورزان قیابل استفاده نیست، بویژه کشاورزان خرده‌پا که در همه جا اکثریت دارند. یک دلیل دیگر هم آنست که، حتی کارشناسان اصلاح نباتات و دامها بر این

عقیده‌اند که روشهای بیوتکنولوژی که به تازگی برای بشر شناخته شده نمی‌تواند و نخواهد توانست جانشین روشهای طبیعی تولید محصولات گیاهی و دامی شود.

بنابراین، تا مدتی طولانی در آینده برای کشاورزان نمی‌توان یک تغییر جدی یا جهشی بلند نسبت به وضع کنونی پیش بینی نمود؛ البته باستثناء بعضی پیشرفتهائی که در اینجا و آنجا روی عواملی مثل کیفیت محصول، کوچکی و بزرگی آن و زمان رسیدن و عملکرد محصول عاید می‌شود. مثلاً در مورد عملکرد برنج، کشاورزان ژاپنی اکنون مدت تقریباً یک دهه است که به افزایش عمده‌ای در متوسط عملکرد برنج سفید (پوست کنده) که در حدود ۴/۵ تن در هکتار می‌باشد دست نیافته‌اند. و این در حالی است که تولید برنج در ژاپن بر اساس روشهای پیشرفته و نوین استوار است که از آن جمله می‌توان عملیات زراعی صد درصد مکانیزه از کشت بذر تا پوست کردن محصول (شلتوک) را نام برد.

حتی در سایر زمینه‌ها پیشرفتهای تکنولوژیکی از قبیل آبیاری پیشرفته و کشت مترکم، برآورد میشود که هنوز بیش از ۸۰ درصد کشتزارهای جهان که دو سوم محصول دنیا را تولید می‌کند، دیمزار است.

مجدداً باید متذکر شد که علت اصلی جنبه اقتصادی آن است، یعنی احداث طرحهای جدید آبیاری حدود ۱۰۰۰۰ - ۱۵۰۰۰ دلار در هکتار هزینه برمی‌دارد، از اینرو گسترش اراضی فاریاب نوید راه حلی را برای افزایش تولید محصولات غذایی نمی‌دهد.

بهر حال، تا وقتی که هزینه‌های ساختمانهای آبی کاهش نیافته است، راه‌حلهائی وجود دارد؛ که از آن جمله عبارتند از:

- ۱- به گزینی گیاهان و تنظیم نظام کشت که بوسیله آن از آب آبیاری استفاده بهینه بعمل می‌آید.
- ۲- به گزینی محصولات مقاوم یا مناسب مناطق شور.
- ۳- تولید محصولات با ارزش زیاد و غیرپومی که فروش آنها جبران هزینه زیاد آبیاری و سایر نهاده‌ها را می‌نماید.
- ۴- به حداقل رساندن عملیات زراعی بنحوی که از هر رفتن آب آبیاری و بصورت رواناب درآمد آن جلوگیری کند.

از طرف دیگر گفته می‌شود که روشهای تکنولوژی غیر مستقیم، مانند روشهائی که بر بهداشت اثر می‌گذارد، تأثیری معکوس بر تولید محصولات مشخصی از قبیل توتون و گوشت گاو می‌گذارد. مثلاً محصول توتون توسط فشارهای سخنگیرانه دولت که اصرار دارد مردم عادت سیگار کشیدن را کنار بگذارند - مورد تهدید قرار می‌گیرند.

مثال دیگر آن که بنظر می‌رسد بعضی از جوامع ثروتمندتر از نظر مصرف گوشت گاو به نقطه اشباع رسیده‌اند و در عین حال کاهش قدرت خرید در بسیاری از کشورهای جهان سوم، مخصوصاً تأثیر زیانباری بر تولید گوشت گاو گذاشته است.

رویه‌رفته تا زمانی که کشاورزان قادر نباشند وسائل و لوازم پیشرفتهای تکنولوژیکی را فراهم آورند احتمال نمی‌رود که کشاورزی نفع زیادی از این پیشرفتهای تکنولوژیکی جدید که اخیراً بدان دسترسی پیدا شده است، ببرد. بهر حال این بدان معنی نیست که تکنولوژی باید از این که بهتر را بهترین کند باز ایستد و نه آنکه سایر کوششها در جهت پیشرفت کشاورزی کنار گذاشته شود، بویژه کوششهایی که بر آسایش و خوشبختی کشاورزان خرده‌پا و خانواده‌شان اثر می‌گذارد. در غیر اینصورت، بیوتکنولوژی و کاربرد آن در

● **تامدتی طولانی در آینده برای کشاورزی نمیتوان یک تغییر جدی یا جهشی بلند نسبت به وضع کنونی پیش بینی نمود؛ البته به استثناء بعضی پیشرفتهایی که در اینجا و آنجا روی عواملی مثل: کیفیت محصول، کوچکی و بزرگی آن و زمان رسیدن و عملکرد محصول عاید میشود.**

کشاورزی به فراموشی سپرده خواهد شد.

کشاورزی بعنوان عامل تحرک

به آسانی نمی توان کشاورزی را از چهار مشکل عمومی که اکثر کشورهای جهان سوم را گرفتار کرده است جدا نمود، این چهار مشکل عبارتند از: فقر، بیماری، بیسوادی و شهرگرایی. وقتی کار کشاورزی موفقیت آمیز باشد یعنی کشاورز در آمد زراعی بهتری تحصیل نماید، طبیعتاً کار و بارش بهتراست و باین دلیل فقیر نیست. او قادر است علائم اولیه بیماری را دفع کند زیرا او استطاعت تغذیه صحیح خود و خانواده اش و یا استطاعت تأمین نیازهای پزشکی خویش را دارد. وی می تواند بخواند و بنویسد، در نتیجه بچه هایش را بمدرسه بفرستد. بنابراین او یک فرد راحت طلب نمی شود بلکه خود را از قبل با کارهای خرد و کوچک روزانه که او را قادر می سازد به کشاورزی موفقیت آمیز خویش ادامه دهد مشغول می سازد و از طرف دیگر نقش خود را بعنوان یک عضو مفید جامعه خویش بانجام می رساند.

هر گاه کشاورزی دچار عدم موفقیت شود یا کشت و کار در آمد مورد انتظار را عاید ننماید، الگوی وضعیت فوق به آسانی تبدیل به وضعیتی نا مطلوب می شود. بعنوان یک واقعیت وضعیت اخیر، در دهه ۱۹۲۰، در چین حاکم شد. در آن زمان فکر کارگاه اجتماعی آغاز گردید، چیزی که بعد از جنگ جهانی اول به پیشگام آموزش توده ها تبدیل گردید - که این جنبش نیز توسط بنیانگذار مؤسسه بیسن السمللی نوسازی روستائی (I.I.R.R.)، دکتر س. جیمزین

آماده کارزار شده بود.

اصل موضوع مربوط به زمین داری بود؛ از این جهت توسعه کشاورزی - روستائی یا نوسازی روستائی عامل تهییج و تقویت «جنبش» بود که تا امروز جریان رو بگسترش آن به سراسر جهان سوم در قالب ۶ جنبش ملی، نوسازی روستائی ادامه دارد. این شش جنبش عبارتند از: در آسیا (فیلیپین، از ۱۹۵۲؛ تایلند، ۱۹۶۷، و هندوستان، ۱۹۸۳)، آمریکای لاتین (گواتمالا و کلمبیا، هر دو از ۱۹۶۴)؛ و آفریقا (غنا، از سال ۱۹۷۲). «جنبش» بعداً معتقد شد - چنانکه اکنون نیز همین اعتقاد را دارد - که مردم ساده شایسته و مستحق غذا، سلامت، معاش و حکومت خوب می باشند. علاوه بر این «جنبش» معتقد است که توسعه روستائی بمعنای توسعه جمعیت روستائی یا توسعه انسان می باشد، انسانی که قادر باشد تحصیل معاش خویش کند، خانواده خود را از حاصل دسترنج روزانه خود در مزرعه تأمین نماید، بطور فعال در اداره جامعه خویش شرکت کند و از طرف دیگر همگام با تغییر تکنولوژی که بر فعالیت های کشاورزی او مؤثر می باشد، قدم بردارد.

در ذکر فلسفه (I.I.R.R.) و در رابطه با فعالیت کشاورزی آن، نویسنده قویاً احساس می کند که (I.I.R.R.) تا کنون تجربیات مفیدی کسب کرده که می تواند توسط سایر کشورها مورد استفاده قرار گیرد، کشورهایی که مایلند شاهد زندگانی بهتر کشاورزان و روستائیان در روستاها باشند.

چیزی که در بین همه ۶ جنبش ملی برای نوسازی روستاها (I.I.R.R.) - فوق الذکر - عمومیت دارد، عبارت از فکر آزاددهنده ای است که در آنها نسبت به آزاد ساختن نیروهای بالقوه کشاورزان برای توسعه خود اتکا و نیز برای فراهم ساختن فرصت انجام آن، وجود دارد. از سوی دیگر، هریک از جنبش ها - برحسب نیازهای متفاوتشان - تأکید خاص خویش را بر روش خود جهت نیل به توسعه روستائی دارد.

جنبش نوسازی روستاهای فیلیپین

جنبش نوسازی روستاهای فیلیپین در بین جنبشهای ملی فوق از قدیمیترین آنهاست، که در سال ۱۹۵۲ توسط چند شهروند علاقمند و ایثارگر پایه گذاری شد؛ و طبیعتاً این جنبش طولانی ترین تجربیات را در آزمایش و اجرای برنامه ۴ بعدی

تأمین معاش، آموزش، بهداشت و خودگردانی دارد.

سه خدمت بزرگ «جنبش» به قضیه توسعه روستائی فیلیپین عبارتند از:

۱- گذراندن قانونی در اوائل دهه ۱۹۵۰ که به روستائیان فیلیپین حق انتخاب مسئولین روستای خویش را می داد.

۲- ایجاد اولین آژانس ملی (دولتی) برای توسعه روستائی بنام «بازوی ریاست جمهوری برای توسعه اجتماعی».

۳- اجرای یک پروژه سرتاسری در زمینه مراقبتهای اولیه بهداشتی که از این طریق به وزارت بهداشتی کشور کمک می کرد تا نعمت خدمات بهداشتی را به روستاهای دور افتاده ببرد.

جنبش نوسازی روستاهای کلمبیا و جنبش نوسازی روستاهای گواتمالا

این دو جنبش ملی آمریکای لاتین هر دو در سال ۱۹۶۴ بترتیب در بوگوتا (پایتخت کلمبیا) و جالاپا (پایتخت گواتمالا) سازمان داده شدند.

جنبش در دو نقطه کلمبیا به کار اشتغال داشته است. یکی در منطقه شهری واقع در اراضی پست که مراصلی زندگی دهقانان آن، تولید محصولات کشاورزی است. و دیگری جامعه ای مستقر در منطقه ای کوهستانی - جایی که کامپسینوها (کشاورزان) در کار تولید لبنیات هستند، و در عین حال زنان دست اندر کاریک تعاونی دو زندگی می باشند.

از طرف دیگر جنبش که با کامپسینوهای (کشاورزان) ایالت جالاپا کار می کرده؛ مزایای برنامه ای با ابعاد چهارگانه آموزش، تأمین معاش، بهداشت و خودگردانی را به آنها عرضه داشته است.

جنبش نوسازی روستاهای تایلند

این جنبش اولین سازمان غیر دولتی و غیر انتفاعی تایلند بود. این جنبش عهده دار برنامه نوسازی یکپارچه روستاها بود که برای بهتر کردن شرایط زندگی کشاورزان فقیر تایلندی طراحی شده بود.

این جنبش که مرکز آن در «استان چاینا» قرار داشت، از روح جهادگرانه و فلسفه ارشادی تجربه «تنگ هسیان» الهام گرفته بود. تأکید بارز جنبش که «گروه آموزش» عهده دار آن بود عبارت بود از: تشکیل مراکز بهداشت و

● توسعه کشاورزی - روستایی یا نوسازی روستایی عامل تهییج و تقویت «جنبشی» - جنبش بین‌المللی نوسازی روستایی - بود که تا امروز جریان روبه گسترش آن به سراسر جهان سوم در قالب ۶ جنبش ملی نوسازی روستایی ادامه دارد.

مراقبت‌های روزانه که با همکاری سه آژانس بین‌المللی انجام می‌شد؛ این آژانسها عبارتند از: بنیاد کودکان مسیحی، سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل (FAO) و بنیاد آلمان برای مبارزه با گرسنگی.

بهر حال مثل همه جنبشهای ملی، جنبش نوسازی روستاهای تایلند بر آن شد که با اجرای برنامه چهار بعدی خود، نقش خویش را بعنوان یک نیروی نوآور قابل تقلید برای دولت - در جهت ابداع روشهای مؤثر برای توسعه روستایی - ایفا کند.

جنبش نوسازی روستاهای غنا

جنبش نوسازی روستاهای غنا چهارمین جنبش ملی است که در سال ۱۹۷۲ توسط رهبر غنا سازماندهی شد. تکان عمده‌ای که این جنبش بر کشاورزی وارد کرد عبارت بود از استفاده از ابزارهای سنتی بصورتی که نتایج بدست آمده در حد شرایط امروزی بود. این جنبش همچنین برنامه‌هایی در زمینه سوادآموزی، توسعه ورزشی و فرهنگی، همکاری فنی و آموزشی در تولید محصولات کشاورزی و پرورش طیور و نیز مراقبتهای اولیه بهداشتی اجرا کرده است.

این برنامه‌های نوسازی روستایی در کارگاه اجتماعی نوسازی روستاهای غنا در «دره مامپونگ»^۳ واقع در ناحیه «اکوایم»^۴ اجرا شده است.

جنبش نوسازی روستاهای هند

این جنبش که جوانترین جنبش ملی نوسازی روستایی بود، تنها در سال ۱۹۸۳ بطور رسمی به مؤسسه بین‌المللی نوسازی روستاها پیوست.

الگوی جنبش نوسازی روستایی هند که بدنبال و با استفاده از تجربیات سایر جنبشهای ملی نوسازی روستایی و با الهام از پیام «گاندی-مین» ایجاد شده بود، روی جنبه خودگردانی جامعه روستایی از طریق «کمیته‌های نوسازی»^۲ روستا تأکید می‌نمود.

برنامه‌های جنبش نوسازی روستاهای هند، با استفاده از روش «آزاد سازی قدرت مردم»، در کارگاه اجتماعی خود واقع در کوپام، در ایالت آندراپرادش به جریان افتاده است.

کار این جنبشهای نوسازی ملی در کمک به تحقق توسعه مناطق روستایی و ساکنین روستایی در کشورهای مربوطه، تکلیف آسانی نبوده است. بعنوان نمونه، آنها بطوریکسان مشکلات مالی را که بعزت رکود جهانی پیش آمده تجربه کرده‌اند؛ رکودی که جداً بر توانایی آنها در اندوختن سرمایه در داخل کشور برای برنامه‌هایشان اثر گذاشته است. علیرغم وجود این مشکلات، جنبش اقدامات زیر را انجام داده است.

۱- گردآوری گروههای غیردولتی محلی که بتوانند از طریق برنامه چهار بعدی مؤسسه بین-المللی نوسازی روستاها (I.I.R.R.) به زندگی کشاورزان کمک نمایند.

۲- اثبات این که چگونه کشاورزان از طریق مشارکت در فعالیتهای آنها می‌توانند زندگی بهتری داشته باشند.

۳- نشان دادن این که چگونه خود مردم، از طریق ابتکارات و منابع خویش می‌توانند تلاشهای توسعه کشاورزی و روستایی خود را بر عهده بگیرند.

شالوده کار (I.I.R.R.) عبارت بود از تحقیقات عمیق در زمینه کارهای فنی، تا کشاورزان را قادر سازد که بر چهار مشکل در هم آمیخته فقر، بیماری، بیسوادی و شهرگرایی که قبلاً ذکر شد، فائق آیند.

اولسین کارگاه اجتماعی که توسط دکترین (Yen) در سال ۱۹۲۰ در منطقه تنگ هسیان - واقع در چین - بنیاد نهاده شد روشی چهار بعدی را از طریق یک برنامه یکپارچه در ابعاد آموزش، تأمین معاش، بهداشت و خودگردانی ارائه نمود. سایر روشهای فنی طی ۶۵ سال گذشته توسعه پیدا کرد که از آن جمله میتوان موارد زیر را نام برد: نظام ارائه خدمات اولیه

بهداشتی - که بعداً توسط ماژوتسه تونگ بعنوان برنامه «دکترهای بابرهنه» شهرت یافت - «نظام مکتب مردمی» برای اشاعه تکنولوژی از طریق روستائیان که توسط جامعه خود برگزیده شده‌اند؛ و استفاده از وجوه تشابه کشاورزی در کار تعلیم برنامه تنظیم خانواده.

جنبش بین‌المللی نوسازی روستاها (I.I.R.R.) در کار اجتماعی خود در «استان کاویته، واقع در فیلیپین» - که دارای یک مرکز آموزش بین‌المللی در محوطه ای ۵۰ هکتاری می‌باشد - مشغول آزمایش و بررسی روشکافانه راهبردهای توسعه روستایی می‌باشد.

در سال ۱۹۷۲، این جنبش برنامه‌ای را تحت عنوان «برنامه کشاورزان نخبه» ارائه کرد که نسبت به «نظام مکتب مردمی» گامی فراتر محسوب می‌شد. این نظام از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۷۶ تا کنون مشغول آموزش دقیق و حسابشده کشاورزان و روستائیان برگزیده، در دوره‌های غیر رسمی فشرده حدوداً یک هفته‌ای بوده است. این روش پاسخی به دعوی انتقال مهارت‌ها و تکنولوژی موجود در زمینه عمران روستایی به درون دستهای خود مردم روستاها بوده است. این «نظام» که تلاشهای دستگاههای دولتی، بخش خصوصی و مردم روستاها را یک کاسه می‌کرد، روستائیان را قادر می‌ساخت که در جامعه خویش بصورت عاملین تغییر در جهت توسعه روستایی درآیند. امر فوق براساس این اصل استوار است که می‌گوید: «کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من». بالاخره، این «نظام» محتاج به شکل‌گیری سازمانهای محلی فوق خواهد بود که بتوانند روستاها را به مناطق شهری، به استان و به کشور پیوند دهند.

در حال حاضر، «مکتب مردمی» نقش مرکز تجمع نیروها را دارد که در پیرامون آن توسعه مردم می‌تواند حاصل گردد.

راهبردهای کلی «نظام مکتب مردمی» عبارتند از توسعه رهبری در شکل رسمی آن، سازماندهی مردم و انتقال تکنولوژی.

سایر موارد تشکیل دهنده فعالیت‌های جنبش (I.I.R.R.) در مجموعه تلاشهای برای توسعه روستایی که به یک اندازه دارای اهمیت می‌باشند عبارتند از:

- ۱- تأمین سرمایه برای سازمانهای مردمی.
- ۲- گسترش اتحادیه‌های سازاربابی برای

می بینیم، این نقاط را در محفوفه ای از خرافات و غفلت زدگی ها پیچند تا انسان در نیاید که دچار اشتباه شده است.

فی المثل مفهوم مکان، خودبخود انسان را بدین حقیقت میرساند که جهان نامحدود و بی نهایت است و پذیرش این امر، ایمان آوردن به خداوند و جهان لایتناهای آخرت است. تصور مکان، خود بخود انسان را بدین پرسش می کشاند که «پایان عالم کجاست؟» و یا «آسمان به کجا منتهی می گردد». هر دیواره انتهائی که بخواهیم برای آسمان و یا عالم خلقت قائل شویم باز مواجه با این سؤال می گردیم که «آن دیواره انتهائی در کجا قرار دارد؟» و یا «بعد از آن چیست؟». اگر نخواهیم قبول کنیم که عالم نامحدود و بی نهایت است و آسمان تا هر کجا که بروی آسمان است و بجائی ختم نمی شود، دچار یک دور تسلسل باطل می گردیم و مسئله همواره لاینحل باقی می ماند، مگر اینکه بپذیریم که «عالم نامحدود است» و پذیرش این امر فی نفسه، بمعنای پذیرفتن «عالم» و یا «عالمی فراتر از عالم ماده» است.

در باره زمان نیز مسئله همین است. مفهوم «زمان» خودبخود ما را به این سؤال می کشاند که «زمان از کی آغاز شده است؟» و یا «کی زمان به پایان میرسد؟».

هر نقطه نهائی که بخواهیم برای آغاز یا پایان زمان قائل شویم، بناچار خود قطعه ای از زمان است و باز هم مسئله، بهمان صورت بر جای خود باقی است. اگر نخواهیم مفاهیم «ازلی و ابدی» را قبول کنیم، این دور باطل هرگز حل نخواهد شد، مگر آنکه مفاهیم «ازل و ابد» را بپذیریم و این پذیرش فی نفسه ایمان آوردن به خدائی است که «هوالاول والاخر».

برای پرهیز از اطناب کلام باید بگویم که در همه موارد دیگر نیز مشکل از همین قرار است. پرسش کردن از حرکت اولیه (محرک اولیه)، علت اولیه (علت العلل)، اراده اولیه... و بالاخره موجود اولیه یا واجب الوجود، لاجرم به ایمان مذهبی منتهی می گردد، مگر اینکه انسان خود را به غفلت بزند و با پرسش هائی انحرافی خود را از پرسش اصلی برگرداند.

فی المثل ماتریالیست ها برای آنکه از مشکل

خرید نهاده های کشاورزی و فروش محصولات زراعی از گروه های غیر رسمی به گروه های رسمی.

۳- توسعه «ادبیات مردمی» به روش مشارکتی.

۴- تحقیقات برای ایجاد تغییرات اجتماعی بمنظور تقویت سازمانهای اقتصادی مردمی و تشویق برنامه های آموزشی و بهداشتی در راستای تلاش برای توسعه همه جانبه روستائی.

سرمایه گذاری برای بیشتر برنامه های جنبش (I.I.R.R.) از طریق بخش خصوصی انجام می شود. دستگاهائی که کمک مالی بلاعوض می کنند عبارتند از بنیادهای اروپائی از قبیل «بنیاد آلمان برای رهائی از گرسنگی»؛ «بنیاد گورتا یا ایرلند برای رهائی از گرسنگی» و «بنیاد مانوس یوبنداس» اسپانیا. آژانس های بزرگ آمریکائی از قبیل «آژانس آمریکا برای توسعه بین المللی»؛ «بنیاد راکفلر»؛ «بنیاد آسیا»؛ و «بنیاد فوردر» همراه با تعداد زیادی از مؤسسات بزرگ تجاری و همچنین افراد بشر دوست، حمایت خویش را ابراز داشته اند.

نتیجه

بحث فوق که بعضی از مهمترین روزه های امیدبخش تکنولوژی را از پیش بما نشان می دهد، تلاشی بود برای درک مفهوم تأثیری که این روزه های امید ممکن است در کوتاه مدت بر کشاورزی داشته باشند. چنانکه دور از انتظار هم نیست، کار به آنجا میرسد که قبل از آنکه تأثیرات این روزه های امید بخوبی شناخته شود، توسط ارباب مطبوعات بصورت مبالغه آمیزی مطرح میشوند. در مقابل، موارد تجربی و عملی که جنبش I.I.R.R. همراه با ۶ جنبش ملی دیگر قرار گرفته، بمعنای مکمل تکنولوژیهای پیش بینی نشده میباشند تا این قبیل تکنولوژیها را قادر سازند که در جهت نیل به اهداف انتقال تکنولوژی، مفیدتر و مؤثرتر واقع شوند.

در پایان نظر براین است که طرز فکر سیاستگذاران و دست اندرکاران توسعه کشاورزی و روستائی را براین متوجه سازیم که انقلاب آرام جنبش I.I.R.R. همچنین در قبال تغییر تکنولوژی نقش یک همراه و ملازم را ایفا نموده است.

لاینحل (محرک اولیه) خلاص شوند و ایمان به خدا نیاروند منشاء حرکت را به «تضاد درونی اشیاء» باز می گردانند. در حالیکه اینکار فقط به تأخیر انداختن همان پرسش اصلی است. حالا در جواب اینکه «منشاء تضاد درونی اشیاء چیست» چه باید گفت؟ گذشته از آنکه باز هم مشکل «نیاز حرکت به محرک خارجی» بر سر جای خویش باقی است و اگر پای فوتبالیست ها به توپ فوتبال نخورد، تا دنیا دنیااست، توپ «خودبخود» حرکت نخواهد کرد.

پرسش از «نخستین انسان» نیز یکی از همین مشکلات اساسی است که جز با انکاء به عالم امر و توجیه و تفسیر مذهبی قابل حل نیست. هیچ نوعی «خودبخود» به نوع دیگر تبدیل نخواهد شد. برای حقیر بسیار شگفت آور است اینکه آدمهائی ظاهراً عاقل فرضیه «جهش» motation را بمثابة یک حرف عاقلانه می پذیرند. اگر کسی قدرت دارد که خود را به نوعی دیگر تبدیل کند، جهش بیولوژیک نیز امکان وقوع دارد. کدام عاقلی این «تغییر خودبخودی» را می پذیرد جهش یک تغییر مادی است و قبول کردن اینکه تغییر در ماهیت اشیاء «خودبخود» روی دهد از اعتقاد داشتن به خلق الساعه خنده دارتر؛ چگونه ممکن است که انسان از نسل میمون باشد؟

این یک خرافه علمی (!) است و متأسفانه علم امروز از این خرافه ها بسیار دارد («انسان بدوی» با آن مشخصاتی که در کتابهای تاریخ تمدن نوشته اند زائیده خیالات غربی هاست. نه اینکه موجوداتی با این مشخصات وجود نداشته اند، خیر. موجوداتی اینچنین در کره زمین زیسته اند، اما بدون تردید انسان امروز از نسل آنها نیست و آنها هم از نسل میمون نبوده اند. امکان تبدیل و تطور خودبخودی انواع به یکدیگر هرگز وجود ندارد. تغییراتی که در یک نوع گیاه و یا حیوان بوجود می آید صرفاً در حد انقراض، اصلاح و تکامل است، نه استحاله به انواعی دیگر.

از آنجا که این بحث بسیار طولانی است، مجله جهاد ناچار است که ادامه آن را به مقالات آینده موکول کند و البته هر بار خلاصه ای از مطلب شماره قبل، مقدمه مقاله جدید قرار خواهد گرفت.

زیرنویس:

۱- کتاب انسان - آنتونی بارب - نشر نو ۱۳۶۳ -

۲- جلد هفتم ترجمه تفسیر المیزان - ذیل آیه مبارکه

اول از سوره نساء.